

حقوق اقتصادی کشورهای ساحلی در مناطق مختلف دریایی در سایه آموزه‌های اخلاقی

۱ مریم شمعوئی اهوازی

۲ منصور عطاشنه

۳ باسم موالی زاده

چکیده

حاکمیت، یکی از اساسی‌ترین مفاهیم مرتبط با شکل‌گیری و دوام دولت - کشور است، که به صلاحیت‌ها و اقتدار دولت آن کشور جنبه مشروع و عینی میبخشد. این مفهوم دامنه اعمال اقتدار نظام سیاسی و نهادهای حاکم در درون کشور و در روابط خارجی را تعیین میکند. عرصه حاکمیت کشورها علاوه بر مرزهای سیاسی خشکی در مرزهای سیاسی آبی نیز راه یافته است. در محیط دریایی، کشورهای ساحلی بعد از خطوط مبدأ بر مناطق دریایی با در نظر گرفتن ملاحظات اقتصادی صلاحیت دارند. در این راستا یکی از ریشه‌های اختلافات از اینجا نشأت می‌گیرد که کشورهای توسعه یافته خواهان تسلط بر مناطق اقتصادی و محدودیت تسلط دولت‌های ساحلی بر آب‌های پیرامون خود بود و هستند. از سوی دیگر، کشورهای استعمارزده و در حال توسعه خواهان عرض دریایی بیشتری برای حراست اقتصادی از مناطق خشکی خود را می‌باشند. در این پژوهش با هدف بررسی حقوق اقتصادی کشورهای ساحلی در مناطق مختلف دریایی بر آن هستیم این مطلب را مورد بررسی قرار دهیم و در این راستا با استفاده از روش کتابخانه‌ای و فیش برداری به جمع‌آوری اطلاعات اقدام کنیم.

واژگان کلیدی

حقوق اقتصادی، آموزه‌های اخلاقی، کشورهای ساحلی، حاکمیت، کنوانسیون ۱۹۸۲.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، واحد امارات متحده عربی.

Email: maryamsh1351@yahoo.com

۲. استادیار حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران (نویسنده مسئول).

Email: matash1338@yahoo.com

۳. استادیار حقوق عمومی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

Email: sb.mavalaly@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۱۵

طرح مسأله

جامعه بین‌المللی از دوران‌های گذشته و به خصوص از قرن نوزدهم همواره کوشیده است با قوانین و مقررات لازم جهت استفاده و بهره‌برداری هر چه صحیح‌تر از دریاها را تدوین نماید و این مهم را همان‌گونه که به طور اجمالی سامان دهد، در همین رابطه طبق موازین حقوقی موجود علیرغم اینکه آبهای داخلی تابع قوانین دولت ساحلی حاکم است هر چه از ساحل به طرف دریاها پیش می‌رویم منافع اقتصادی دولت ساحلی در دریا به نفع جامعه بین‌المللی محدودتر می‌شود. همچنان که عبور بی‌ضرر کشتی‌ها خارج از شمول حاکمیت دولت ساحلی است زیرا بی‌ضرر بودن عبور نه تنها به نفع کشور ساحلی بلکه به نفع تمامی جوامع بین‌المللی تلقی شده است و این در حالی است که در دریای سرزمینی قوانین دولت ساحلی حاکمیت دارد. بعد از خاتمه مناقشه پیرامون دریای سرزمینی و توسعه منطقه و عدالت طلبانه آن معاهدات مختلف مناطق دیگر را مورد شناسایی قرار داده و برای کلیه طرف‌های درگیر حقوق قابل توجهی از جهات گوناگون تدوین گردید اما در منطقه مجاور (منطقه نظارت) به نحوی که دولت ساحلی نه تنها ناظر بر رعایت مقررات گمرکی و بهداشتی خود از طرف کشتیهای دول ثالث است بلکه در منطقه اقتصادی انحصاری دارای حقوق ممتاز (حقوق حاکمه) صید و استفاده از آب و شناور کردن جزایر می‌باشد، همچنان که در فلات قاره منابع طبیعی و معادن کف و زیر کف آب را استخراج می‌کند اما ناگزیر است حق عبور کابل و لوله زیردریائی توسط دول ثالث را محترم بشمارد.

از طرفی ماده ۷۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ میلادی بر دولت ساحلی حقوق حاکمه را به رسمیت شناخته است زیرا در مناطق اقتصادی دولت ساحلی از حاکمیت کامل برخوردار نیست لذا براساس این ماده این حق دارای علت غائی است و روشن‌گر این است که دولت ساحلی از لحاظ مسائل اقتصادی مشخص، اکتشاف و استخراج و حق انحصاری از حقوق کامل و آزادی لازم برخوردار است و اگر مایل به انجام این امور نباشد هیچکس قادر به الزام آن دولت در انجام امور مذکور نخواهد بود.

کشورهای ساحلی در مناطق مشخص شده بر اساس قوانین و مقررات حقوق دریاها و در کنار قواعد عرفی حقوقی حاکمیت متفاوتی دارا می‌باشند که بسته به دوری یا نزدیکی این مناطق از ساحل نوع حاکمیت مطلق یا نسبی خواهد بود. در این راستا حاکمیت اقتصادی کشورهای ساحلی دارای تغییراتی می‌شود.

پیشینه پژوهش

ملکم شاو (۱۳۹۴) در کتاب خود با عنوان حقوق بین الملل دریاها با نگاهی به مسائل ایران به این مطالب پرداخته است.

خلیلی (۱۳۹۱) در مقاله ای با عنوان بررسی مقررات و قوانین ایران در مورد حقوق دریاها از منظر حقوق بین الملل به بهره برداری از منابع دریایی پرداخته است.

۱. حقوق اقتصادی کشورهای ساحلی بر مناطق مختلف دریایی با بررسی قوانین قبل از

کنوانسیون ۱۹۸۲

کمیسیون حقوق بین المللی که با چنین اختلاف نظرهای زیاد چه از ناحیه مصنفین و چه از ناحیه دول موجه شده است چاره نداشت جز آنکه حل این اختلاف و اتخاذ تصمیم مقتضی را به یک کنفرانس بین المللی محول نماید و در ماده پیشنهادی خود اکتفا کرد به اینکه تصدیق نماید «در موضوع تحدید حدود دریای ساحلی عمل بین المللی یکسان و متحدالشکل نیست» لیکن این نکته را نیز خاطر نشان کرد که «حقوق بین الملل توسعه دریای ساحلی را بیش از دوازده میل تجویز نمی کند» و در بند سوم این ماده اضافه نمود «بسیاری از دولتها عرض دریای ساحلی بیش از سه میل را در صورتی که عرض دریای ساحلی خودشان کمتر باشد به رسمیت نمی شناسند» و این عبارت اضافی ماده را تا اندازه ای مشوش می کند و تفسیری که کمیسیون حقوق بین الملل حسب المعمول در ذیل این ماده درج کرده است مسئله را در نظر محققین پیچیده تر کرده است چه از یک طرف در این تفسیر گفته شده است که توسعه دریای ساحلی بیش از دوازده میل «تخلف از اصل آزادی دریا و بالتیجه مخالف حقوق بین الملل است» و از طرف دیگر این عبارت اضافه شده است که «اعتبار عرض یک دریای ساحلی را که از دوازده میل تجاوز نکند ممکن است یک دولتی که استناد به حقوق تاریخی نماید برای خود صحیح و جائز بدانند» و حال آنکه در جمله دیگر تأیید شده است که سایر دول «حق دارند عرض دریای ساحلی بیش از سه میل را به رسمیت نشناسند»^۱

البته در کمیسیون حقوق بین الملل که اعضاء آن از نواحی مختلف جهان انتخاب شده اند و نماینده افکار و مصالح احیاناً متعارض یکدیگر هستند نظرهای مختلفی اظهار می شود که جمع بین آن نظرها ناچار در بعضی موارد نظیر ماده فوق الذکر و تفسیر آن به ظاهر موهم تضادهائی است. چنانکه در همین مورد این سؤال پیش می آید که شناختن این حق برای هر دولتی که دریای ساحلی خود را تا دوازده میل توسعه بدهد در صورتی که این حق مورد انکار سایر دول ممکن است واقع شود چه ارزش حقوقی خواهد داشت. لیکن کمیسیون حقوق بین الملل در

1. Oppenheim (L.), (1999), International Law: a Treatise, vol. I, Peace, 8th

گزارش نهائی خود اعتراف کرده است که «موفق شده است حدّ دریای ساحلی را بین سه میل و دوازده میل تعیین نماید» این عدم توفیق منحصر به کمیسیون حقوق بین الملل نبوده است.^۱

۱-۱-۱. حد شمول حقوق اقتصادی کشور ساحلی در دریای ساحلیش

مدت مدیدی است که همه قبول دارند کشور ساحلی می تواند در دریای ساحلیش تعداد معینی از حقوق حاکمیت را اعمال کند که آن حقوق شمول دارد هم در آبها هم در کف دریا و قسمت تحت الارضی و هم در هوای بالای آن از این قرار: انحصار صید ماهی و شکار، اقدامات برای تأمین امنیت و دفاع، قوانین گمرکی و مالیاتی، انتظامات بهداشتی، حکومت قضائی در امور مدنی و جزائی، مقررات بحری، بهره برداری از کف دریا و از قسمت تحت الارضی آن، تشریفات بحری.

۱-۱-۱. انحصار صید ماهی و شکار

به استثناء مواردی که به موجب معاهده با کشورهای دیگر مقرر شده باشد کشورهای ساحلی عموماً انحصار ماهیگیری و شکار در دریای ساحلی را برای اتباع خود محفوظ می دارند. یکی از مزایای مهم و جات حاکمیت در دریای ساحلی همین است. اما سیاست همه کشورهای چنین نیست عده ای از آنها مانند بلژیک، نروژ، سوئد و ایتالیا در ضمن دادن امتیازات مخصوص به اتباع خود صیادان خارجی را به کلی محروم نمی کنند. کشورهای دیگری مانند پرتغال و یونان در قوانین داخلی آزادی ماهیگیری را به شرط معامله متقابله برای اتباع بیگانه تأمین کرده اند. کشور ساحلی می تواند آزادانه راجع به حق ماهیگیری و شکار در دریای ساحلیش مقررات و تنظیماتی وضع کند و اقداماتی که برای محافظت از ثروت موجودات زنده دریا لازم می داند به عمل آورد. این نظامات البته هم شامل صیادان خارجی که اجازه صید در دیای ساحلی را تحصیل کرده اند و هم شامل صیادان تبعه داخلی است. حق وضع این مقررات و تنظیمات برای دول ساحلی در حکم صادر از دیوان دائمی داوری لاهه در سال ۱۹۱۱ در دعوی بین بریتانیای کبیر و ایالات متحده امریکا در موضوع شیلات ارض جدید، اسکاتلند جدید و لابرادور بالصراحه شناخته شده است.^۲

۱-۱-۲. قوانین گمرکی و مالیاتی

در حقوق عادی (عرف و عادت) برای کشور ساحلی همیشه این حق شناخته شده است که قوانین مالی و گمرکی خود را در حدود دریای ساحلی به موقع اجرا بگذارد به همان ترتیب و شرایطی که در قلمرو خشکی او معمول است. آیا مقامات ساحلی در نتیجه این قاعده حق دارند برای تفتیش گمرکی و مالیاتی وارد در کشتی هائی شوند که از دریای ساحل عبور می کنند؟

1. Ferron (Olivier de). (1960), Le droit international de la mer. Geneve, Paris,

2. Oppenheim (L.). (1999), International Law: a Treatise, vol. I, Peace, 8th

مسئلاً درباره کشتی هائی که بقصد ورود در یک بندر کشور ساحلی آمده‌اند این حق را دارند. اما در مورد کشتی هائی که فقط در دریای ساحلی عبور می کنند بدون اینکه خود را بخشی برسانند در طرح پیشنهادی کمیسیون حقوق بین الملل مقرراتی پیش بینی نشده است. و بطور کلی کمیسیون درباره مسائل گمرکی و مالیاتی تصریحاتی نکرده و اصلاً خود را به حقوقی که بموجب عرف و عادت دریائی برای کشور ساحلی تصدیق شده آشنا نکرده فقط در ماده ۱۷ طرح خود اعلام داشته است که کشور ساحلی می تواند در دریای ساحلیش «تدابیر لازم اتخاذ نماید برای جلوگیری از هر گونه لطمه ای که ممکن است وارد بشود به آن قسمت از سایر منافع او که قواعد مقرر در این طرح و سایر قواعد حقوق بین الملل اجازه حفظ آن را به او داده اند». این ماده کلی هم در کنفرانس ژنو مسکوت مانده و آن را در مقابله نامه درج نکرده اند.^۱

۱-۳. زمین کف دریا و طبقات تحت الارضی آن

دریای ساحلی چون جزء قلمرو کشور ساحلی است کف آن و طبقات الارض زیر کف آن ملک آن کشور محسوب می شود و حق مانعاً للغير بهره برداری از ثروتهای معدنی و حیوانی و حفر تونل و چاه ها و دالانهای که در معادن تعبیه می شود در این قسمت از دریای ساحلی متعلق به همان کشور است. از این لحاظ می توان گفت که حاکمیت کشور ساحلی در کف دریا و طبقات زیر آن کاملتر از این حاکمیت در آبهای مافوق آن است.

۱-۲. محدودیتهای حاکمیت اقتصادی کشور ساحلی

حقوق کشور ساحلی در دریای ساحلی هر قدر هم توسعه داشته باشد معیضاً عرف و عادت و حقوق موضوعه در آن محدودیتی قائل شده و آن عبارت است از اجراء حق عبور بلامزامت که ناشی می شود از اصل اساسی آزادی دریاها. در گذشته اکثر حقوقدانان حتی آنهایی که مانند آلبریکو ژنتیلیس (Alberico Gentilis)، جان سلدن (John Selden) یا سرفیلیپ مدوز (Sir Philip Medows) برای کشور ساحلی قائل به مالکیت دریا بودند حق عبور بلامزامت را قبول کرده اند و امروز هم هیچ دولتی منکر آن نیست. کمیسیون حقوق بین الملل در طرح خود اهتمام داشته است که حق عبور بلامزامت را تعریف بکند و نظامات مربوط به آن را با کمال دقت به رشته تحریر درآورد و بسیاری از قواعد ناشی از عرف و عادت مربوط به این قسمت را تدوین کرده است. کنفرانس ژنو بنوبه خویش پس از بحث لازم در مواد پیشنهادی کمیسیون اصلاحاتی نموده است.^۲

1. Grotius,(1993), (Hugo de Groot). Rights of War and Peace, an abridged translation of "De Jure Belli et Pacis" by William Whewell, Cambridge University Press,p97

2. Hall (W.E.),.(2004), A Treatise on International law, 8th edition, by Pearce Higgin,p125.

در مورد کشتی‌های ماهیگیری در بند پنجم از ماده ۱۴ مقاله نامه ژنو تصریح شده است که هر گاه آنها از قوانین و آئین نامه‌های کشور ساحلی دایر به منع صید در دریای ساحلی تبعیت نکنند ممکن است از دادن حق عبور به آنها امتناع بشود.^۱

۲. حقوق اقتصادی کشورهای ساحلی بر مناطق مختلف دریایی طبق کنوانسیون ۱۹۸۲

۲-۱. حاکمیت کشورهای ساحلی

از آنجایی که دولت ساحلی دارای حاکمیت در دریای سرزمینی می‌باشد، این دولت می‌تواند مطابق با قواعد و مقررات حقوق بین الملل دریاها صلاحیت‌های ناشی از چنین حاکمیتی را در دریای سرزمینی اش به اجرا در آورد. کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها دامنه چنین صلاحیت‌هایی را افزایش داد. بر طبق بند ۱ ماده ۲۱ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها دولت ساحلی دارای صلاحیت قانونگذاری در دریای سرزمینی خود در موارد ذیل می‌باشد:

- الف). ایمنی کشتیرانی و تنظیم رفت و آمد دریایی.
- ب). حمایت از وسایل کمکی و تسهیلات دریانوردی و دیگر تسهیلات یا تاسیسات
- ج). حمایت از کابل‌ها و لوله‌های زیر دریایی.
- د). حفاظت از منابع زنده دریا.
- ه). پیشگیری از نقض قوانین و مقررات ماهیگیری دولت ساحلی.
- و). حفاظت از محیط زیست دریایی دولت ساحلی و پیشگیری از کاهش و کنترل آلودگی محیط زیست دریایی.

- ز). انجام پژوهش‌های علمی دریایی و پژوهش‌های آب‌نگاری.
- ح). پیشگیری از نقض قوانین و مقررات گمرکی، مالی، مهاجرتی، و یا بهداشتی دولت ساحلی.^۲

دولت ساحلی در راستای این قوانین و مقررات می‌تواند صلاحیت‌های اجرایی خود را نسبت به کشتی‌های خارجی در دریای سرزمینی به اجراء بگذارد. در همین راستا ماده (۴) ۲۱ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها کشتی‌های خارجی را ملزم می‌نماید که عبور بی ضرر خود را با رعایت همه این قوانین و مقررات از دریاها سرزمینی دولت‌ها به اجرا بگذارند^۳ بنابراین در صورت نقض این

1. Ceccato (G.M.), (2005), L'evolution juridique de la doctrine du plateau continental. Preface de M. Ch. Rousseau. Paris, p150

۲. شایگان، فرهاد، (۱۳۸۹)، مناطق دریایی در معاهدات بین المللی و حقوق جزای ایران، مجله کانون وکلا، ش

۲۰۸ و ۲۰۹

۳. همچنین ماده (۴) ۲۱ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها مقرر می‌کند کشتی‌های خارجی ملزم هستند تا مقررات بین المللی پذیرفته راجف به جلوگیری از تصادم در دریا را رعایت کنند.

قوانین و مقررات دولت‌های ساحلی از این حق برخوردار خواهند گردید تا اقدامات اجرایی خود را بر ضد کشتی‌های متخلف به اجراء بگذارند. البته باید توجه داشت که در جهت حمایت از عبور بی ضرر کشتی‌های خارجی، دامنه قدرت‌های اجرایی دولت‌های ساحلی در دریاهای سرزمینی به قوانین و مقررات ذکر شده در فوق محدود شده و به قوانین دیگر دولت‌های ساحلی گسترش نمی‌یابد.

۲-۲. حقوق اقتصادی کشورهای ساحلی در منطقه اقتصادی انحصاری

بر طبق ماده ۵۶، دولت ساحلی دارای حق قلمرویی در منطقه اقتصادی انحصاری برای اهدافی مانند کشف و بهره برداری، محافظت و مدیریت منابع طبیعی (چه زنده یا غیرزنده) و آبهای فوقانی تا بستر دریا و آبهای بستر دریا و خاکهای زیری میباید و میتواند بر فعالیتهای بهره برداری اقتصادی و کشف منطقه مانند تولید انرژی از آب، جریان و بادها در این منطقه تمرکز کند. قلمرو قدرت که در این تبصره کنوانسیون با توجه به استقرار ایجاد شده است از جزایر مصنوعی، تاسیسات، و سازه‌ها، تحقیقات خاص دریایی و محافظت از محیط دریایی استفاده میکند.^۱

همچنین، حقوق و وظایف دیگر نیز وجود دارد که برای دولتهای ساحلی در این کنوانسیون در نظر گرفته شده است. برای اعمال حقوق و اجرای وظایف تحت این کنوانسیون در منطقه اقتصادی انحصاری، کشور ساحلی با توجه به حقوق و وظایف دیگر کشورهای انجام میدهد و بر طبق تبصره های این کنوانسیون عمل میکند^۲ منطقه اقتصادی انحصاری بیشتر از ۲۰۰ مایل دریایی از خط مبنا توسعه نخواهد یافت که از این خط مبنا، عرض قلمرو دریایی اندازه گیری میشود. در منطقه اقتصادی انحصاری، همه کشورها چه ساحلی و چه محصور در خشکی، مرتبط با این تبصره کنوانسیون، دارای آزادیهای دریانوردی و عبور هوایی و کابل کشی و لوله کشی دریایی و دیگر استفاده قانونی بین المللی دریا مربوط به این نوع آزادیها (مانند موارد مربوط به علمیات کشتی‌ها، هواپیما، و کابلها و لوله کشی دریایی) سازگار با دیگر تبصره های این کنوانسیون خواهند بود.

در اعمال قوانین و اجرای وظایف تحت کنوانسیون در مناطق اقتصادی انحصاری دولتها با توجه به حقوق و وظایف کشور ساحلی، حقوقی دارند و از قوانین و مقرراتی که بوسیله کشورهای ساحلی طبق تبصره این کنوانسیون و دیگر قوانین بین المللی پذیرفته شده است تبعیت میکنند.

1. Juda, L. (1986). The exclusive Economic Zone: Compatibility of National Claims and the UN Convention of the Law of the Sea, *Ocean Development and International Law Journal*, vol. 16, p. 58

2. Klein, N. (2005). *Dispute Settlement in the UN Convention on the Law of the Sea*, Cambridge University Press, p23

اساس حل کشمکشها با توجه به تخصیص حقوق و قلمرو قدرت در منطقه اقتصادی انحصاری است اگر این کنوانسیون، حقوقی یا قلمرو قدرتی به کشور ساحلی یا دیگر کشورهای در منطقه اقتصادی انحصاری تخصیص نداده باشد و یک کشمکش بین منافع دولتهای ساحلی و دیگر دولت (یا دولتها) ایجاد شود کشمکش براساس قاعده انصاف و در پرتو شرایط مربوطه با توجه به اهمیت منافع طرفین درگیر و جامعه بین المللی حل خواهد شد.^۱

در مناطق اقتصادی انحصاری، دولت ساحلی دارای حق انحصاری برای ایجاد، تصویب، تنظیم ساخت و ساز و عملیات است و میتواند از قسمتهای ذیل مستفید شود:

(الف) جزایر مصنوعی

(ب) تاسیسات و سازه‌هایی برای اهداف لحاظ شده در ماده ۵۶ و اهداف اقتصادی دیگر
(س) تاسیسات و سازه‌هایی که ممکن است با اجرای قوانین دولت ساحلی در منطقه تداخل داشته باشند.

دولت ساحلی، قلمرو قدرت انحصاری بر جزایر مصنوعی، تاسیسات و سازه‌ها، از جمله قلمرو قدرت در خصوص حقوق گمرکی، مالی، بهداشتی، ایمنی و قوانین مهاجرت و قانونگذاری دارند. اطلاعات کافی باید در خصوص ساخت چنین جزایر مصنوعی، تاسیسات و سازه‌ها، و وسایل دائمی داده شود که وجود آنها را هشدار میدهد^۲

هر تاسیسات و سازه‌ای که متروکه میشود یا از رده خارج میشود برای تضمین ایمنی دریانوردی با توجه به استانداردهای بین المللی پذیرفته شده باید برداشته میشود که به وسیله سازمانهای بین المللی شایسته ایجاد شده اند. برداشت تاسیسات متروکه باعث توجه کافی به ماهیگیری، محافظت از محیط دریایی و حقوق و وظایف دیگر دولتها میشود. آگاهی مناسب در خصوص عمق، موقعیت، ابعاد هر تاسیسات یا سازه داده میشود که به طور کامل برداشته نشده است.^۳

در صورت نیاز، کشور ساحلی ممکن است، منطقه ایمن منطقی پیرامون جزیره مصنوعی، تاسیسات و سازه ایجاد میکند که با معیارهای مناسب تضمین ایمنی دریانوردی و جزیره مصنوعی، تاسیسات و سازه‌ها را همخوانی دارد. عرض منطقه ایمنی بوسیله دولت ساحلی با

1. Juda, L. (1986). The exclusive Economic Zone: Compatibility of National Claims and the UN Convention of the Law of the Sea, Ocean Development and International Law Journal, vol. 16, p. 26
2. Buzan, B. (1981), Negotiating by Consensus: Developments in Technique at the Third United Nations Conference on the Law of the Sea, American Journal of International Law, vol. 75, p. 321
3. Lupinacci, J. Cesar. (1983). The legal Status of the Exclusive Economic Zone in the 1982 Convention on the Law of the Sea, Orrego, cit. note 4, p. 93

توجه به استانداردهای بین المللی قابل اجرا تعیین میشود. چنین مناطقی طراحی میشوند تا تضمین کنند آنها به طور منطقی به طبیعت و عملکرد جزایر مصنوعی، تاسیسات یا سازه‌ها مربوط هستند و از فاصله ۵۰۰ متری پیرامون آنها تجاوز نکرده اند که از هر نقطه لبه بیرونی اندازه گیری میشود، به استثنای نقاطی که به وسیله استانداردهای بین المللی پذیرفته شده، مجاز شده اند یا بوسیله سازمان بین المللی شایسته پیشنهاد شدند. اطلاعات کافی در خصوص حدود مناطق ایمن داده خواهد شد.

همه کشتی باید به این مناطق ایمن احترام بگذارند و از استانداردهای بین المللی پذیرفته در خصوص دریانوری در مجاورت جزایر مصنوعی، تاسیسات، سازه‌ها و مناطق ایمن پیروی کنند. جزایر مصنوعی، تاسیسات و سازه‌ها و مناطق ایمن پیرامون آنها نباید ایجاد شوند جاییکه تداخل ممکن است موجب استفاده از خطوط دریایی شناخته شده شود که برای دریانوردی بین المللی ضروری است. جزایر مصنوعی، تاسیسات، سازه‌ها دارای وضعیت جزیره ای نیستند. آنها هیچ قلمرو دریایی متعلق به خود ندارد و وجود آنها بر تحدید حدود قلمرو دریایی، منطقه اقتصادی انحصاری یا فلات قاره (UNCLOS) تاثیری ندارد.

۲-۱-۲. حقوق کشورهای محروم جغرافیایی

کشورهای محروم جغرافیایی به معنی کشورهای ساحلی است که دریایی را به طور کامل یا نیمه کامل احاطه کرده اند و آن دریا (یا خلیج) از طریق یک خروجی باریک به دریای بزرگتر و اقیانوس متصل میشود، شرایط جغرافیایی آنها باعث میشود آنها به بهره برداری از منابع زنده مناطق اقتصادی انحصاری دیگر دولتها در منطقه یا زیرمنطقه برای تامین ماهی جهت تغذیه مردم یا قسمتی از آن وابسته میکند یا به دولتهای ساحلی که نمیتوانند هیچ منطقه اقتصادی انحصاری برای خودشان ادعا کنند وابسته شوند. از لحاظ جغرافیایی، دولتهای محروم (ماده ۷۰) حق دارند بر مبنای حق برابر، در بهره برداری از قسمتهای مناسب مازاد منابع زنده مناطق اقتصادی انحصاری دولتهای ساحلی همان منطقه یا زیرمنطقه با توجه به شرایط جغرافیایی و اقتصادی همه دولتهای مربوطه طبق تبصره های این ماده و ماده های کنوانسیون، مشارکت داشته باشند. شرایط و کیفیت چنین مشارکتی به وسیله دولتهای مربوطه از طریق توافق منطقه ای و زیر منطقه ای با توجه به موارد ذیل ایجاد میشود:

(الف) لزوم اجتناب از اثرات مضر برای جامعه ماهیگیری یا صنایع ماهیگیری دولتهای ساحلی؛

(ب) میزان مشارکت دولتهای محروم جغرافیایی طبق تبصره این ماده، یا میزان التزام برای مشارکت تحت توافق منطقه ای یا زیرمنطقه ای دوجانبه در بهره برداری از منابع زنده مناطق اقتصادی انحصاری دیگر دولتهای ساحلی؛

(س) میزان مشارکت دیگر دولتهای محروم جغرافیایی یا دولتهای محصور در خشکی در بهره برداری از منابع زنده مناطق اقتصادی انحصاری دولت ساحلی و لزوم اجتناب از بار مسئولیت خاص برای یک دولت ساحلی یا قسمتی از آن؛
(د) نیازهای تغذیه ای مردم دولتهای مربوطه

هنگامیکه برداشت ظرفیت دولت ساحلی به نقطه ای میرسد که آن را قادر به برداشت کل صید مجاز منابع زنده در مناطق اقتصادی انحصاری میکند دولتهای ساحلی و دیگر دولتهای مربوطه باید در ایجاد ترتیبات عادلانه بر مبنای منطقه ای، زیر منطقه ای و دوجانبه برای توجه به مشارکت دولتهای محروم جغرافیایی در حال توسعه مربوط به همان زیرمنطقه یا منطقه در بهره برداری از منابع زنده مناطق اقتصادی انحصاری دولتهای ساحلی زیرمنطقه یا منطقه، مشارکت کنند و ممکن است در شرایطی درست باشد و در شرایطی برای همه طرفین رضایت بخش باشد^۱

کشورهای محروم جغرافیایی توسعه یافته تحت تبصره این ماده مستلزم به مشارکت در بهره برداری از منابع زنده فقط در مناطق اقتصادی انحصاری دولتهای ساحلی توسعه یافته همان زیر منطقه یا منطقه هستند و کشور ساحلی هنگام ایجاد دسترسی دیگر دولتهای به منابع زنده منطقه اقتصادی و انحصاری به لزوم کاهش عوامل مضر بر روی جوامع ماهیگیری و نابسامانی اقتصادی در کشورهایی که عادت به ماهیگیری در منطقه دارند توجه میکند^۲

تبصره های بالا بدون تعصب برای ترتیبات توافق شده در زیرمنطقه یا منطقه هستند که دولتهای ساحلی ممکن است به کشورهای محروم جغرافیایی همان منطقه یا زیرمنطقه، حق برابر یا ترجیحی برای بهره برداری از منابع زنده در مناطق اقتصادی یا انحصاری بدهند.

حق ایجاد شده تحت ماده ۶۹ و ۷۰ برای بهره برداری منابع زنده، به طور مستقیم یا غیرمستقیم به دولتهای ثالث یا ملتهای آنها از طریق کرایه یا مجوز، ایجاد سرمایه گذاری مشترک، یا هر روش حاصل از چنین انتقالات، اعطا نمیشود مگر اینکه دولتهای مربوطه در این خصوص توافق کنند. تبصره فعلی، دولتهای مربوطه را از دستیابی به کمک مالی و فنی از کشور ثالث یا سازمانهای بین المللی برای تسهیل اعمال این حقوق باز نمیدارد

کشورهای ساحلی در اجرای حقوق قلمرو برای کشف، بهره برداری، محافظت، و مدیریت منابع زنده در مناطق انحصاری اقتصادی، اقداماتی مانند کشتی سواری، بازرسی، دستگیری یا

۱. قانون حفاظت و مدیریت شیلات ایالت متحده، ۱۹۷۶، ۶۳۶

2. Jayakumar S. (1977). The Issue of the Rights of Landlocked and Geographically Disadvantaged States in the Living Resources of the Economic Zone, Virginia Journal of International Law, vol. 18, p. 69

رویه قضایی، را انجام می‌دهد و ممکن است برای تضمین رعایت قوانین و مقررات پذیرفته شده طبق کنوانسیون، ضروری باشد.

کشتی‌ها و کارکنان کشتی دستگیر شده فوراً با ارسال ضمانت منطقی یا دیگر وثیقه‌های آزاد میشوند. مجازات کشورهای ساحلی برای متخلفان قوانین و مقررات شیلات در منطقه اقتصادی انحصاری ممکن است حبس در زندان در صورت عدم وجود توافق (از سوی وسیله دولتهای مربوطه) یا اشدال دیگر تنبیه بدنی نداشته باشد. در مورد بازداشت یا توقیف کشتی‌های خارجی، دولت ساحلی فوراً به کشور صاحب پرچم از طریق کانال مناسب در خصوص کارهای انجامی و مجازات بعدی اعلام میکند^۱

تحدید حدود (محدودیت زدایی) منطقه اقتصادی انحصاری بین دولتها با سواحل مجاور یا روبرو تحت تاثیر توافق بر مبنای قوانین بین المللی خواهد بود همانطور که در لایحه ۳۸ قانون اساسی دادگاه بین المللی برای دستیابی به راه حل عادلانه مورد اشاره قرار گرفته است. اگر هیچ توافقی در دوره زمانی منطقی حاصل نشود، با روحیه تفاهم و همکاری، تلاشهایی برای ورود به ترتیبات موقت با ماهیت عملی در طول دوره انتقال، بدون به خطر افتادن توافق نهایی یا ممانعت از توافق نهایی انجام میشود. چنین ترتیباتی بدون تعصب برای تحدید حدود نهایی خواهد بود. جاییکه توافقی بین دولتهای مربوطه انجام شده است سوالات مربوط به تحدید حدود منطقه اقتصادی انحصاری طبق تبصره‌های توافق تعیین میشود.

۲-۲-۲. محافظت از منابع زنده

دولت ساحلی، صید مجاز منابع زنده را در منطقه اقتصادی انحصاری تعیین خواهد کرد. با توجه به بهترین شواهد علمی موجود، دولت ساحلی از طریق محافظت صحیح و اقدامات مدیریتی تضمین خواهد کرد نگهداری منابع زنده در مناطق انحصاری و اقتصادی با بهره برداری بیش از حد به خطر نیفتد. در صورت نیاز، دولت ساحلی و سازمانهای بین المللی شایسته، چه زیرمنطقه، منطقه ای، یا جهانی، برای این هدف همکاری خواهند کرد. چنین اقداماتی برای حفظ و ذخیره جمعیت نمونه‌های برداشت شده در همه سطوح طراحی شده است که میتواند حداکثر بازده پایدار را ایجاد کنند همانطور که تحت شرایط عوامل اقتصادی و محیطی مربوطه از جمله نیازهای اقتصادی ماهیگیری ساحلی، جوامع و نیازهای خاص توسعه دولتها هستند در ضمن به الگوی ماهیگیری وابستگی متقابل ماهیهای تخم ریز در آب شیرین، و حداقل استانداردهای بین

1. Carroz, J. E. & Savini, M. (1983). The Practice of Costal States Regarding Foreign Access to Fishery Resources, Report of the Expert Consultation on the Conditions of Access o the Fish Resources of the Exclusive Economic Zone, FAO Fisheries Report, Nr. 293, Rome, p.50

المللی پیشنهادی چه به صورت زیرمنطقه ای، منطقه ای، جهانی توجه میشود. با انجام چنین اقداماتی، دولت ساحلی به اثرات بر روی گونه مرتبط (یا وابسته به گونه) برداشت شده توجه میکند^۱. با این بینش که جمعیت چنین گونه‌هایی وابسته یا مرتبط را بالای سطح خاصی حفظ کنند یا احیا کنند تا جمعیت آنها به طور جدی تهدید نشود. اطلاعات علمی موجود، آمار تلاش صید و ماهگیری، و دیگر اطلاعات مرتبط با محافظت ماهیهای تخم ریز در آب شیرین کمک کننده خواهد بود و به طور منظم از طریق سازمانهای بین المللی شایسته، چه منطقه ای، زیرمنطقه ای یا جهانی مبادله خواهد شد که ملتهای آنها برای ماهیگیری در منطقه انحصاری یا اقتصادی مجاز هستند.

دولت ساحلی، اهداف بهره برداری اولیه منابع زنده را در منطقه انحصاری اقتصادی بدون تعصب ترویج میدهند. دولت ساحلی، ظرفیتش را برای برداشت منابع زنده منطقه اقتصادی انحصاری تعیین خواهد کرد. آن از طریق توافقنامه یا دیگر ترتیبات مطابق با شرایط و قوانین و مقررات، به دیگر دولتها اجازه دسترسی به مازاد صید مجاز با توجه به تبصره ماده ۶۹ و ۷۰ بخصوص در رابطه با دولتهای در حال توسعه میدهد. هنگام اجازه دسترسی به دیگر دولتها به منطقه اقتصادی و انحصاری، دولتهای ساحلی باید به همه عوامل مربوطه از جمله اهمیت منابع زنده منطقه برای اقتصاد کشور ساحلی مربوطه و دیگر منافع ملی، تبصره ۶۹ و ۷۰، توجه کنند همچنین به این نکته نیز توجه کنند که کشورهای در حال توسعه در زیرمنطقه یا منطقه به برداشت قسمت اضافی برای کاهش نابسامی اقتصادی (در دولتی که مردم عادت به ماهیگیری در منطقه دارند) نیاز دارند و تلاشهای پایدار برای تحقیق و شناسایی دسته ماهیها انجام دهند.^۲

ملتهای دولتهای دیگر که در منطقه اقتصادی انحصاری ماهیگیری میکنند باید اقدامات محافظت از منابع طبیعی و دیگر شرایط درج شده در قوانین و مقررات دولتهای ساحلی رعایت کنند. این قوانین و مقررات با این کنوانسیون همخوانی دارد و ممکن است از طریق مجوز ماهیگیری، قایق و تجهیزات ماهیگیری، از جمله پرداخت هزینه و دیگر اشکال پرداخت انجام شود که در مورد کشورهای ساحلی در حال توسعه، ممکن است شامل جبران کافی در حوزه مالی، تجهیزات و فناوری مربوط به صنعت ماهیگیری است؛ در حالیکه نمونه‌هایی که ممکن است صید شوند را تعیین کنند و سهمیه صید در رابطه با دسته یا گروه ماهیها را تعیین کنند یا صید به ازای کشتی طی دوره زمان خاص یا صید طبق ملیت هر کشور در طول دوره خاص

1. Conforti, B. (1987). The Mediterranean and the Exclusive Economic Zone, Milano, p187

2. Lupinacci, J. Cesar. (1983). The legal Status of the Exclusive Economic Zone in the 1982 Convention on the Law of the Sea, Orrego, cit. note 4, p. 93

باشد؛ و فصول و مناطق ماهیگیری، نوع، اندازه، و مقدار ابزار، نوع، اندازه و تعداد کشتیهای ماهیگیری مورد استفاده تنظیم شوند؛ سن و اندازه ماهی و دیگر نمونه‌ها که ممکن است گرفته شوند، معین شود؛ اطلاعات مورد نیاز برای کشتیهای ماهیگیری از جمله صید و آمارهای تلاش و گزارشات موقعیت کشتی مشخص شود. تحت نظارت و کنترل دولت ساحلی به اجرای برنامه ریزی تحقیقی شیلاتی معین نیاز است و اجرای چنین تحقیقی شامل نمونه‌گیری صید، وضع نمونه و گزارش اطلاعات عملی مربوطه میشود. ناظران یا کارورزان در عرشه کشتی از سوی دولت ساحلی قرار داده میشوند؛ همه یا قسمتی از صید به وسیله چنین کشتیهایی در بندر کشور ساحلی فرود میاید. شرایط مربوط به سرمایه‌گذاری مشترک یا دیگر ترتیبات همکاری ذکر میشود؛ پیش‌نیازهای آموزش پرسنل و انتقال فناوریهای شیلات از جمله بهبود توانایی انجام تحقیقات شیلات و رویه‌های اعمالی دولت ساحلی فراهم شود^۱

دسته ماهیهایی که در منطقه اقتصادی انحصاری دو یا چند دولت ساحلی به وجود می‌آیند یا در داخل منطقه اقتصادی انحصاری و در حوزه مجاور یا فراتر از آن به وجود می‌آیند باید تابع قوانین خاصی باشند. جاییکه همان دسته ماهی یا دسته ماهی نمونه‌های مرتبط در داخل منطقه اقتصادی انحصاری دو یا چند کشور ساحلی به وجود می‌آیند این دولتها به طور مستقیم یا از طریق سازمانهای منطقه‌ای و زیر منطقه‌ای مناسب در پی توافق منصفانه در مورد اقدامات لازم برای همکاری و تضمین محافظت از منابع طبیعی و توسعه چنین دسته ماهیها هستند. جاییکه همان دسته ماهی یا دسته‌های گونه‌های مرتبط هم در منطقه اقتصادی انحصاری و هم در حوزه مجاور منطقه یا فراتر از آن به وجود می‌آیند، دولت یا دولتهای ساحلی، که چنین ماهیهایی را در منطقه مجاور صید میکنند باید به دنبال توافق به طور مستقیم یا از طریق سازمانهای منطقه‌ای یا زیرمنطقه مناسب جهت اقدامات لازم برای محافظت این ماهیها در منطقه مجاور باشند.

۲-۳. حقوق اقتصادی کشورهای ساحلی بر تنگه‌های بین‌المللی

دولت ساحلی در دریای سرزمینی مجاز به قانونگذاری در موارد ذیل است:
 کشتیرانی، حفاظت از کابل‌ها و لوله‌ها، شیلات، تحقیقات علمی و گمرکات و حفاظت از محیط زیست دریایی و جلوگیری و کاهش یا مهار آلودگی‌ها را بعهده خواهد داشت.
 همچنین دولت ساحلی حق دریافت هیچگونه عوارضی را از کشتیهای خارجی بابت عبور آنها از دریای سرزمینی اش ندارد، مگر در ازای انجام خدمات ویژه، آن هم به شرطی که بدون

1. Buzan, B. (1981), Negotiating by Consensus: Developments in Technique at the Third United Nations Conference on the Law of the Sea, American Journal of International Law, vol. 75, p. 324

تبعیض دریافت شود.^۱

۲-۳-۱. کشتی‌های تجاری

حق عبور ترانزیتی از داخل تنگه‌های بین‌المللی و آب‌های سرزمینی کشورهای در آن را دارند و ملزم اند قوانین و مقررات دولتهای ساحلی تنگه را در زمینه مسائل مختلف مربوط به بارگیری و تخلیه بار، مقررات گمرکی، مالی، بهداشتی، مهاجرتی و پیشگیری از آلودگی دریا را رعایت کند؛ همچنین ملزم اند از مسیرهای تفکیک تردد تعیین شده عبور کند و دولت ساحلی نیز حق تعلیق عبور آنها را به هیچ وجه ندارد، ولی در صورت تخلف کشتی‌ها دولت ساحلی می‌تواند آن را فقط از مجاری دیپلماتیک پیگیری کند.

۲-۳-۲. عبور ترانزیت

دولت ساحلی بدون اینکه مشکلی برای عبور ترانزیتی ایجاد کند می‌تواند درباره تخلیه و بارگیری، ارز، کالا، افراد، ماهیگیری و صیادی، ایمنی دریانوردی، تعیین خطوط ترانزیتی یا طرح‌های تفکیک تردد و پیشگیری از آلودگی مانند آن، مقررات و قوانین وضع کند و پس از ابلاغ آن به کشورهای دیگر نسبت به اجرا و نظارت بر آن قوانین در منطقه تنگه مجاور خود اقدام کند. نیز می‌تواند نفت کش‌ها و کشتیهایی را که با نیروی اتمی کار می‌کنند و یا اساساً حامل مواد اتمی و خطرناک اند، به عبور از طرح‌های تفکیک تردد ملزم کند.^۲

۲-۴. جزایر مصنوعی

بر پایه ی ماده 56 کنوانسیون 1982 اگر جزایر مصنوعی در منطقه ی انحصاری اقتصادی برپا شود، دولت ساحلی موظف است همراه با برخورداری از مزایای این منطقه، حقوق کشورهای دیگر را رعایت و موارد زیر را رعایت کند

۱. اعلام ذخیره ماهیان موجود در منطقه و اندازه صید؛

۲. تلاش و برنامه ریزی برای پاسداری از زیست‌جانداران موجود در منطقه؛

۳. دادن اجازه رفت و آمد آزاد کشتیها.

بر پایه ی ماده ی 5 کنوانسیون 1958، تأسیسات ویژه کشف و استخراج منابع طبیعی در فلات قاره، منزلت حقوق جزایر (طبیعی) را ندارد و در تعیین مرزهای دریایی هیچ امتیازی برای کشور مالک جزیره مصنوعی ایجاد نمیکند. پس بر پایه کنوانسیون 1985، جزایر مصنوعی نمی‌تواند پایه‌های برای خط مبدأ باشد. کنوانسیون 1982 نیز بر سر هم تغییری در دیدگاه کنوانسیون

۱. افشردی، محمد حسین، (۱۳۸۶)، بررسی میزان مطابقت و تفاوت مناطق دریایی ایران در خلیج فارس و دریای عمان با کنوانسیون ۱۹۸۲.

۲. اردلان، اسعد، (۱۳۶۹) رژیم حقوقی تنگه هرمز ۱۱ مجله بندر و دریا شماره ۲۱، ص ۲۲

1958 در مورد جزایر مصنوعی پدید نیآورده است. بر پایه ی ماده 11 کنوانسیون 1982 « تأسیسات و جزایر مصنوعی بیرون از ساحل را نمیتوان تأسیسات بندری ثابت به شمار آورد» بر پایه ی مواد 60 و 80 این کنوانسیون نیز جزایر مصنوعی و تأسیسات واقع در منطقه ی انحصاری اقتصادی یا فلات قاره، دریای سرزمینی برای خود ندارد و هیچ اثری در اندازه ی مرزهای دریایی کشورها نخواهد داشت.

بر پایه ماده ی 87 همان کنوانسیون، هرچند در آبهای آزاد فراتر از منطقه ی انحصاری اقتصادی دولت‌ها می‌توانند جزایر مصنوعی برپا کنند، ولی از تملک بخشی از دریای آزاد در مناطق دریایی برای خود منع شده‌اند. در مورد دریای سرزمینی و منطقه ی انحصاری اقتصادی که سراسر خلیج فارس را در بر میگیرد، بر پایه ماده ی 60 هواداران محیط زیست میگویند که ساخت این جزایر زیانهای سنگینی به اکوسیستم زده است. بر پایه ی برآوردهای کارشناسی، تنها ساحل مرجانی دویی، در سایه ی این عملیات از میان رفته است، آشیانه های ساحلی لاکپشت های دریایی ویران شده، مسیر جریانهای طبیعی آب تغییر یافته و گل و لای ناشی از کار، آبهای شفاف و شیشه‌های دریا را به شکل لجنزار درآورده است. کنوانسیون 1982، تنها دولت ساحلی اجازه برپا کردن جزایر مصنوعی را دارد؛ اما در آبهای آزاد، همه ی دولت‌ها چه ساحلی و چه غیر ساحلی میتوانند جزایر مصنوعی برپا کنند^۱

۲-۵. حقوق اقتصادی دولت های ساحلی بر آب های داخلی

آبهای داخلی محیط اعمال صلاحیت و سلطه دولت ساحلی است، با این وجود دولت مذکور از همان صلاحیتی که در سرزمین دارد، در دریا برخوردار نمی‌باشد، چون در خشکی با فرد مواجه است، در صورتیکه در دریا (آبهای داخلی) با کشتی مواجه است که تابع مقررات خاصی می‌باشد. کشتی‌ها با ورود به بنادر و آبهای داخلی در قلمرو حاکمیت دولت ساحلی قرار می‌گیرند.

۲-۶. حقوق اقتصادی دولت های ساحلی بر دریای سرزمینی

حاکمیت دولت ساحلی علاوه بر قلمرو زمینی و آبهای داخلی منطقه‌ای از دریای متصل به ساحل آن دولت که دریای سرزمینی خوانده می‌شود گسترش می‌یابد (۱۲ مایل پس از خط مبدأ). این حق حاکمیت به فضای هوایی بالای دریای سرزمینی و همچنین کف و زیر کف این دریا گسترش می‌یابد، اما این حاکمیت مطلق نیست. دریای سرزمینی تابع دو اصل مخالف است: یکی اصل عبور بی‌ضرر کشتی‌های دول بیگانه و دیگری اعمال صلاحیت دولت ساحلی به منظور جلوگیری از عبور مضر کشتی‌ها و تضمین منافع خود. (کنوانسیون مشخص می‌نماید که در چه مواردی عبور بی‌ضرر تعلق نخواهد شد. بنابراین از یک طرف هیچ هزینه‌ای

۱. موسی زاده، رضا، (۱۳۹۲)، بایسته های حقوق بین الملل عمومی، تهران: میزان، ص ۵۹۲.

نباید به عهده کشتیهای خارجی مگر برای خدمات مشخص شده تحمیل شود و از طرف دیگر کشتی‌هایی که عبور بی‌ضرر را رعایت نکنند تحت صلاحیت دولت ساحلی هستند و دولت ساحلی دارای حق تعلیق عبور این گونه کشتیها در نقاطی که عبور آنها نظم عمومی را به مخاطره می‌اندازد خواهد بود. اما ماده ۲۱ کنوانسیون ۱۹۸۲ به دولت ساحلی اجازه می‌دهد تا دربارہ هر یک از موارد ذیل قانون وضع نماید: موارد مربوط به کشتیرانی. - حفاظت از کابلها و لوله‌های دول ثالث. امور مربوط به صید آبزیان. - آلودگی. - تحقیقات علمی. - گمرکات و امور مالی. دولت ساحلی قادر است از عبور غیر مجاز ممانعت به عمل آورد و حتی به خاطر مسائل امنیتی عبور بی‌ضرر را در منطقه مشخصی از آبهای ساحلی معلق نماید^۱

۲-۷. حقوق اقتصادی دولت‌های ساحلی بر فلات قاره

به موجب ذیل بند ۸ ماده ۷۶ کنوانسیون حقوق دریاها، دربارهٔ توصیه‌های کمیسیون فلات قاره چنین می‌خوانیم: حدود فلات قاره ای که یک دولت ساحلی بر مبنای این توصیه‌ها تعیین می‌نماید نهایی و لازم‌الاتباع خواهد بود دربارهٔ این قسمت از بند یادشده آرای فراوانی وجود دارد. در وهلهٔ اول تأکید شده است که کمیسیون صلاحیت ندارد دربارهٔ اینکه آیا یک دولت ساحلی حدود فلات قارهٔ خود را بر مبنای توصیه‌های کمیسیون تعیین کرده اظهار عقیده کند^۲ به بیان دیگر، کمیسیون فقط می‌تواند درخواست یا درخواست تجدیدنظرشده یا درخواست مجدد را که به آن تسلیم شده بررسی کند، اما ارزیابی و احراز اینکه آیا دولت ساحلی به توصیه‌های کمیسیون عمل کرده یا نه، در صلاحیت کمیسیون نیست. تشخیص این معنا به عهدهٔ سایر دولت‌هاست که به این ملاک حدود خارجی فلات قاره را به رسمیت شناخته یا بدان اعتراض دارند^۳ از طرفی اکتشاف دولت ساحلی در فلات قاره و بهره‌برداری از منابع طبیعی آن نباید موجب مداخله غیر موجه در امور کشتیرانی و ماهیگیری یا حفاظت منابع جاندار دریا گردد. دولت ساحلی نمی‌تواند مانع اعمال آزادی کابل‌کشی و لوله‌کشی دول ثالث در کف فلات قاره گردد، اما جهت جلوگیری از آلودگی ناشی از گسستگی لوله‌های نفتی دولت ساحلی قادر است مسیر کابل‌ها و لوله‌ها را نیز تعیین نماید.

۱. همان، ص ۳۴

2. International Law Association (ILA) (2004). Report of the Committee on Legal Issues of the Outer Continental Shelf, Adopted at the 71st Conference of the International Law Association, held in Berlin, Germany, 16-21 August 2004.

3. McDorman, Ted L. (2002). "The Role of the Commission on the Limits of the Continental Shelf: A Technical Body in a Political World", The International Journal of Marine and Coastal Law, 17(3): 301-324

۲-۸. حقوق اقتصادی دولت‌های ساحلی بر مناطق مجاور

دولت ساحلی در منطقه نظارت تنها از صلاحیت‌های محدودی برخوردار است، منطقه نظارت منطقه محدود شده‌ای است که دولت ساحلی در منطقه‌ای واقع در مجاورت دریای سرزمینی می‌تواند مقرراتی را وضع و نظارت لازم را اعمال نماید تا از نقض مقررات و قوانین گمرکی، مالی و بهداشتی و مهاجرتی جلوگیری به عمل آورد. نظر به محدودیتهای فوق، منطقه نظارت از لحاظ رژیم حقوقی با دریای سرزمینی متفاوت است و جزء دریای آزاد محسوب می‌شود. صلاحیت دولت ساحلی در منطقه نظارت محدود به امور مشخص شده‌ای است که نظام حقوقی رژیم حقوقی حاکم بر دریای آزاد کاملاً متفاوت است (چون در منطقه نظارت همانند منطقه اقتصادی انحصاری و فلات قاره اصل آزادی بهره‌برداری از منابع طبیعی اعمال نمی‌شود). دول ثالث دارای حق کشتیرانی آزاد در منطقه نظارت و پرواز بر فراز آن می‌باشند. نتیجتاً منطقه نظارت جزئی از منطقه اقتصادی انحصاری محسوب می‌شود و به همین دلیل دارای ماهیت حقوقی خاصی می‌باشد. دولت ساحلی در منطقه نظارت فاقد حق مالکیت است و فقط حقوق حاکمه را اعمال می‌نماید.^۱

۲-۹. حقوق اقتصادی دولت‌های ساحلی بر مناطقی جهت اکتشاف و بهره‌برداری

بر اساس کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، حاکمیت دولت ساحلی بر منابع طبیعی بستر و زیر بستر دریا در محدوده‌ی دریای سرزمینی و منطقه‌ی انحصاری اقتصادی و فلات قاره به رسمیت شناخته شده است؛ اما این مقررات تا زمانی مفید و راهگشا است که موضوع تداخل ادعای حاکمیت بین کشورها در میان نباشد. در صورت وجود چنین ادعاهایی می‌بایست به قواعد تحدید حدود مراجعه کرد. در صورت عدم انعقاد موافقت‌نامه‌ی تحدید حدود دریایی، دولت‌های عضو کنوانسیون ۱۹۸۲ باید در قالب تدابیر موقت، اقدامات عملی را با حس نیت انجام دهند؛ به نحویکه موجب خدشه به روند توافق نهایی آنها نشود. افزون بر راهکار کنوانسیون مذکور، که می‌تواند مبنایی برای هم‌کاری در منابع مشترک نفت و گاز باشد، اصل همکاری در بهره‌مندی از این منابع در رویه‌ی قضایی بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است.

۱. تدینی، عباس، حاتمی، علی اصغر، (۱۳۸۷)، شیوه اعمال صلاحیت ملی در دریاها، دیدگاه‌های حقوق قضایی،

۲-۱۰-۱. ابزار ایجاد آموزه های اخلاقی در حقوق اقتصادی کشورهای ساحلی

۲-۱۰-۱. حق نظارت بهداشتی و تأثیر آن بر ایجاد آموزه های اخلاقی

در حقوق اقتصادی کشورهای ساحلی در مناطق مختلف دریایی آموزه های اخلاقی در بسیاری از موارد برای حفظ حقوق طرفین دارای اهمیت می باشد و در صورت عدول از آن شاهد اختلافات شدید کشورهای ساحلی با یکدیگر هستیم. در این راستا حق نظارت بهداشتی یکی از این ابزار می باشد.

حق نظارت بهداشتی کشور ساحلی شامل امور ذیل است: اجراء نظامات کلی بهداشتی، ورود بکشتی ها برای بازرسی طبی، کنترل اوراق بهداشتی، قرنطینه، اقدامات ضد عفونی. حق پلیس بهداشتی با اینکه بموجب عرف و عادت و حقوق موضوعه شناخته شده معذک تاکنون درست تعریف نشده و مقررات جامعی ندارد. در کنفرانسهای بهداشتی قرن نوزدهم سعی کرده اند که مقاله نامه بین المللی درباره حق پلیس بهداشتی تنظیم کنند ولی منتهی به نتیجه نشده است. کمیسیون حقوق بین الملل در طرح خود وارد این موضوع نشده در مقاله نامه ژنو نیز حکم صریحی در خصوص حق پلیس بهداشتی کشور ساحلی نیست. در این راستا ایجاد تفاهمنامه ها و مقاله نامه های که مسئله بهداشت را تشکیل و شرح دهد می تواند بسیار زیاد بر مسائل اخلاقی مؤثر باشد.

۲-۱۰-۲. حق وضع قوانین اخلاقی در جهت عبور و مرور کشتیها و جلوگیری از آلودگی

دریاها

مقرراتی که کشور ساحلی برای نظامات مربوط به امنیت کشتی رانی و نصب دستگاه های رادار هدایت کننده کشتی ها برای جلوگیری از مواجهه آنها با مخاطرات و همچنین دستگاههای هشدار دهنده کشتیها برای پیشگیری از آلودگی آنها و منع آلوده کردن آب دریا وضع می کند تا حدود دریای ساحلی شامل همه کشتیها اعم از تبعه داخله یا خارجه می شود و این مسئله تأثیر فراوانی بر رعایت حریم کشورهای ساحلی و حفظ قوانین اخلاقی می شود. کشور ساحلی می تواند برای تخلف از آن مجازات ها و جرائم نقدیمعین کند. کمیسیون حقوق بین الملل در طرح خود پیش بینی کرده بود که این مقررات شامل کشتی هائی نیز بشود که فقط اقدام به عبور بلامراحت بکنند بدون اینکه وارد آبهای داخلی شوند اما در کنفرانس ژنو این قسمت از طرح کمیسیون مسکوت ماند قطعاً باین ملاحظه که با تصریح اصل کلی حاکمیت دولت در دریای ساحلیش در ماده اول و دوم مقاله نامه ژنو دیگر احتیاجی به ذکر این قواعد که از متفرعات آن اصل می باشد نخواهد بود.

نتیجه گیری

جامعه بین‌المللی همواره کوشیده است با قوانین و مقررات لازم جهت استفاده و بهره‌برداری هر چه صحیح‌تر از دریاها را تدوین نموده و این مهم را سامان دهد. حاکمیت کشورهای ساحلی در دریاها محدود به مناطقی خواهد شد که کنوانسیون‌های حقوق دریاها آن را تعیین می‌کنند. کشورهای ساحلی در مناطق مشخص شده بر اساس قوانین و مقررات حقوق دریاها و در کنار قواعد عرفی حاکمیت متفاوتی دارا می‌باشند که بسته به دوری یا نزدیکی این مناطق از ساحل نوع حاکمیت مطلق یا نسبی خواهد بود. حاکمیت کشور ساحلی بر دریای ساحلیش هیچگاه مورد تردید نبوده و اگر هم ایرادی به آن شده باشد چندان جدی نبوده است. در بین مسائل حقوق دریائی بندرت مسئله ای دیده می‌شود که مانند این حاکمیت تقریباً مورد اتفاق نظر باشد. کمیسیون حقوق بین الملل هم آن را در طرح خود با این عبارت تأیید کرده است: «این عقیده مورد قبول عموم و مطابق قواعد حقوق جاریه است» در مقاله نامه ژنو هم تصریح شده است که حاکمیت کشور ساحلی شمول دارد بر دریای ساحلی و فضای هوائی بالای آن و کف (بستر) دریا و قسمت تحت الارض آن (مواد ۱ و ۲ مقاله نامه).

حاکمیت کشورهای ساحلی طبق کنوانسیون ۱۹۸۲ دارای شرایط و تعاریف مربوط به خود می‌باشد.

دولت ساحلی، صید مجاز منابع زنده را در منطقه اقتصادی انحصاری تعیین خواهد کرد. با توجه به بهترین شواهد علمی موجود، دولت ساحلی از طریق محافظت صحیح و اقدامات مدیریتی تضمین خواهد کرد نگهداری منابع زنده در مناطق انحصاری و اقتصادی با بهره‌برداری بیش از حد به خطر نیفتد. در صورت نیاز، دولت ساحلی و سازمانهای بین‌المللی شایسته، چه زیرمنطقه، منطقه ای، یا جهانی، برای این هدف همکاری خواهند کرد. چنین اقداماتی برای حفظ و ذخیره جمعیت نمونه‌های برداشت شده در همه سطوح طراحی شده است که میتواند حداکثر بازده پایدار را ایجاد کنند

دولت ساحلی در دریای سرزمینی طبق کنوانسیون ۱۹۸۲ دارای حقوقی می‌باشد که می‌توان از آنجمله به کشتیرانی، حفاظت از کابل‌ها و لوله‌ها، شیلات، تحقیقات علمی و گمرکات و حفاظت از محیط زیست دریایی و جلوگیری و کاهش یا مهار آلودگی‌ها اشاره داشت. همچنین دولت ساحلی می‌تواند بنا بر ضرورت و به دلایل امنیتی، از کشتیهای در حال عبور از دریای سرزمینی خود بخواهد تا از مسیر خاصی که آن کشور تعیین می‌کند، عبور نمایند یعنی حق تعیین مسیر تردد و وضع مقررات جداسازی ترافیکی را دارد.

کشور ساحلی می‌تواند در دریای سرزمینی خود کلیه تدابیر لازم را به منظور جلوگیری از هر گونه عبوری که بی‌ضرر نیست، معمول دارد. همچنین دولت ساحلی می‌تواند بدون هرگونه

تبعیضی، چه حقوقی و چه عملی میان کشتیهای خارجی، حق عبور را در مناطق بخصوص از دریای سرزمینی موقتاً به حالت تعلیق در آورد، به شرطی که این اقدام برای تضمین امنیت کشور ساحلی، از جمله مبادرت به تمرینات نظامی، ضروری باشد.

همچنین دولت ساحلی حق دریافت هیچگونه عوارضی را از کشتیهای خارجی بابت عبور آنها از دریای سرزمینی اش ندارد، مگر در ازای انجام خدمات ویژه، آن هم به شرطی که بدون تبعیض دریافت شود. دولت ساحلی بدون اینکه مشکلی برای عبور ترانزیتی ایجاد کند می تواند درباره تخلیه و بارگیری، ارز، کالا، افراد، ماهیگیری و صیادی، ایمنی دریانوردی، تعیین خطوط ترانزیتی یا طرحهای تفکیک تردد و پیشگیری از آلودگی مانند آن، مقررات و قوانین وضع کند و پس از ابلاغ آن به کشورهای دیگر نسبت به اجرا و نظارت بر آن قوانین در منطقه تنگه مجاور خود اقدام کند. نیز می تواند نفت کش ها و کشتیهایی را که با نیروی اتمی کار می کنند و یا اساساً حامل مواد اتمی و خطرناک اند، به عبور از طرحهای تفکیک تردد ملزم کند.

فهرست منابع

منابع فارسی

۱. اردلان، اسعد، (۱۳۶۹) رژیم حقوقی تنگه هرمز ۱۱ مجله بندر و دریا شماره ۲۱
۲. افشردی، محمد حسین، (۱۳۸۶)، بررسی میزان مطابقت و تفاوت مناطق دریایی ایران در خلیج فارس و دریای عمان با کنوانسیون ۱۹۸۲
۳. تدینی، عباس، حاتمی، علی اصغر، (۱۳۸۷)، شیوه اعمال صلاحیت ملی در دریاها، دیدگاه های حقوق قضایی ، شماره ۱۵ و ۱۶
۴. شایگان، فرهاد، (۱۳۸۹)، مناطق دریایی در معاهدات بین المللی و حقوق جزای ایران، مجله کانون وکلا، ش ۲۰۸ و ۲۰۹
۵. موسی زاده، رضا، (۱۳۹۲)، بایسته های حقوق بین الملل عمومی، تهران: میزان.

منابع غیر فارسی

6. Buzan, B. (1981), Negotiating by Consensus: Developments in Technique at the Third United Nations Conference on the Law of the Sea, American Journal of International Law, vol. 75
7. Carroz, J. E. & Savini, M. (1983). The Practice of Coastal States Regarding Foreign Access to Fishery Resources, Report of the Expert Consultation on the Conditions of Access o the Fish Resources of the Exclusive Economic Zone, FAO Fisheries Report, Nr. 293, Rome
8. Conforti, B. (1987). The Mediterranean and the Exclusive Economic Zone, MilanoLupinacci
9. Cesar. (1983). The legal Status of the Exclusive Economic Zone in the 1982 Convention on the Law of the Sea, Orrego, cit. note 4
10. Ceccato (G.M.), (2005), L'evolution juridique de la doctrine du plateau continental. Preface de M. Ch. Rousseau. Paris
11. Ferron (Olivier de). (1960), Le droit international de la mer. Geneve, Paris,
12. Grotius, (1993), (Hugo de Groot). Rights of War and Peace, an abridged translation of "De Jure Belli et Pacis" by William Whewell, Cambridge University Press,
13. Hall (W.E.), (2004), A Treatise on International law, 8th edition, by Pearce Higgin
14. International Law Association (ILA) (2004). Report of the

Committee on Legal Issues of the Outer Continental Shelf, Adopted at the 71st Conference of the International Law Association, held in Berlin, Germany, 16-21 August 2004

15. Jayakumar S. (1977). The Issue of the Rights of Landlocked and Geographically Disadvantaged States in the Living Resources of the Economic Zone, Virginia Journal of International Law, vol. 18

16. Juda, L. (1986). The exclusive Economic Zone: Compatibility of National Claims and the UN Convention of the Law of the Sea, Ocean Development and International Law Journal, vol. 16

17. Klein, N. (2005). Dispute Settlement in the UN Convention on the Law of the Sea, Cambridge University Press,

18. Lupinacci, J. Cesar. (1983). The legal Status of the Exclusive Economic Zone in the 1982 Convention on the Law of the Sea, Orrego, cit. note 4

19. McDorman, Ted L. (2002). "The Role of the Commission on the Limits of the Continental Shelf: A Technical Body in a Political World", The International Journal of Marine and Coastal Law, 17(3): 301-324

20. Nations Conference on the Law of the Sea, American Journal of International Law, vol. 75

21. Oppenheim (L.), (1999), International Law: a Treatise, vol. I, Peace, 8th.